

اقدامات مجرمانه مشترک در حقوق بین الملل

محمود محمودی

دانشجوی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور پردیس

چکیده

مکتب اقدامات مجرمانه مشترک از مصادیق مسئولیت کیفری در حقوق کیفری بین المللی به شمار می رود. این مفهوم برای اولین بار به صراحت توسط شعبه استیناف دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ در سال ۱۹۹۹ مطرح شد. اما پیش از این بارها توسط رویه قضایی بین المللی مورد تأکید قرار گرفته بود. از آن پس این مفهوم به عنوان یکی از مهمترین و مؤثرترین روشهای تعقیب در این دادگاه و سایر محاکم پرونده مورد استفاده قرار گرفت. بر اساس این مفهوم، اعضای یک طرح مشترک علاوه بر مسئولیت جرایم مورد توافق، ممکن است مسئولیت کیفری کلیه جرائمی را که نتیجه طبیعی و قابل پیش بینی طرح مورد توافق تلقی می شوند، بر عهده بگیرند. اقدامات مجرمانه مشترک و به ویژه دسته سوم از این اقدامات که اقدامات مجرمانه موسع نامیده می شوند و مسئولیت اعمال قابل پیش بینی را خارج از برنامه ریزی مشترک تحمیل می کنند، یکی از بحث برانگیزترین مفاهیم حقوق کیفری بین المللی به شمار می روند. در این مقاله به بررسی و تحلیل اعمال مجرمانه - طبقه بندی سه گانه این مفهوم، عناصر مادی و معنوی هر دسته با تأکید بر دسته سوم این قوانین و نقد آنها می پردازیم.

کلیدواژه‌ها: اقدامات مجرمانه مشترک، دادگاه بین المللی کیفری، حقوق کیفری، رویه قضایی بین المللی

مقدمه

ارتکاب جرم توسط افراد می تواند اشکال مختلفی داشته باشد. رایج ترین روش ارتکاب جرم در عرصه داخلی، انجام آن به صورت فردی و بدون دخالت افراد زیادی است. یعنی شخص با قصد قبلی و با انجام اعمال مادی به تنهایی مرتکب جرم شود. اما در عرصه بین الملل از آنجایی که اکثر جنایات بین المللی از قبیل جنایات علیه بشریت، نسل کشی، جنایات جنگی و ... ماهیتی گسترده و منظم دارند، در بیشتر موارد به صورت گروهی انجام می شوند، و این مطلب حاکی از ارزیابی دقیق آن می باشد و نیز نقش هر فرد در این گروه اگر نگوییم غیرممکن، اغلب بسیار دشوار است [1].

اعضای تشکیل دهنده این گروه ها که به عنوان یک واحد نظامی، سیاسی، اجرایی و یا حتی عادی ایفای نقش می کنند، ممکن است در سازمان خود نقش های متفاوتی در پیشبرد اهداف گروه خود داشته باشند که این نقش ها عبارتند از: طراحی، سازماندهی، هماهنگی بین سازمان های مختلف. اجرای اهداف و برنامه های مشترک، ارتکاب جرایم مورد نظر و انواع دیگر همکاری و مشارکت در رفتار مجرمانه. در این موارد، حتی در برخی موارد، جمع آوری مدارک مربوط به مشارکت دقیق هر یک از اعضای آن گروه، بسیار دشوارتر از اثبات آن جنایات است [2]. مکتب مجرمانه مشترک به عنوان نمونه ای از مسئولیت کیفری در حقوق کیفری بین المللی، مسئولیت ارتکاب جرایم را در ابعاد وسیعتر به افراد نسبت می دهد تا جایی که تعیین خاص نقش هر یک از اعضای گروه ممکن است به دلیل پیچیدگی و دامنه جرم مبهم باشد. این مکتب مسئولیت کیفری را به افرادی محول می کند که دو یا چند نفر در یک طرح مجرمانه مشترک برای ارتکاب جرم یا جنایت شرکت کنند و این اجماع منجر به ارتکاب جرم می شود. مفهوم فعالیت مجرمانه مشترک اغلب به یک طرح مشترک، برنامه مشترک یا هدف مشترک اشاره دارد. بر اساس این مفهوم، اعضای گروهی که دارای این اهداف و برنامه های مشترک هستند، در برخی موارد در قبال جرایم توافقی و همچنین در برابر کلیه جرائمی که برای آن اعضا به عنوان پیامد طبیعی و قابل پیش بینی ممکن است، مسئول هستند و برنامه های کلی نیز انجام می شود، و هم آنها به عنوان مسئول شناخته می شوند [3]. دادرسی کیفری مشترک اولین بار به طور رسمی توسط دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده تجدید نظر تادیب معرفی شد. و از آن پس به عنوان مفهومی از حقوق کیفری بین المللی به طور گسترده توسط این مرجع و سایر دادگاه های کیفری بین المللی مورد استفاده قرار گرفت [4].

در پرونده تادیب، بخش استیناف دیوان این مفهوم را طبقه بندی کرد و عناصر مادی و معنوی هر دسته را بیان کرد و حقوق عرفی را مبنای کار خود قرار داد [5]. این مطالب در بخش بعدی این مقاله به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. حال برای معرفی مختصر این مفهوم به سه دسته از این افعال اشاره می شود. طبقه و دسته اول این سیستم ها شامل مواردی است که همه اعضای گروه هدف مجرمانه مشترکی دارند و برای پیشبرد هدف مشترک خود با یکدیگر همکاری می کنند، در این صورت فقط یک یا تعدادی از آنها عملاً مرتکب جرم شده اند. دسته دوم که خیلی متفاوت تر از نوع اول این اقدامات است، شامل مواردی است که در آن، جرایم توسط اعضای از واحدهای نظامی، اداری، اجرایی انجام میگیرد، به عنوان مثال: مسئولین اداره واحدهایی مانند بازداشتگاه اسرا یا اسیران جنگی و به طور مرتب و بی رویه با این گونه اسیران و زندانیان مورد بدرفتاری و آزار و اذیت قرار می دهند، و دسته سوم و نوع این فعالیت که همواره بحث برانگیزترین نوع این فعالیت محسوب می شود، مواردی را در بر می گیرد که اعضای گروه هدف نیز مانند دسته اول این فعالیت ها دارای هدف مشترکی هستند. یا قصد ارتکاب جرم یا جنایت خاصی را دارند، اما در این بین یک یا چند نفر از اعضای گروه از برنامه مشترک خود فراتر رفته و مرتکب

¹ International Criminal Tribunal for Yugoslavia (ICTY)

^۲ متهم این پرونده، بهنام دوسکو تادیب، مسئول کشتن پنج روستایی اهل بوسنی و هرزگوین به همراه دیگر اعضای گروهش شناخته شد که نقش آنها تنها به عنوان اعضای فعال و تأثیرگذار در کشتار این افراد شناخته شده بود. در نهایت به استناد ماده سوم کیفری عمومی و با کمک عامل قابل پیش بینی جرم و قبول اختیاری خطر، قتل این افراد را نیز بر عهده گرفت.

جرمی خارج از محدوده طرح مشترک می شوند [4]. با این وجود، این یک پیامد طبیعی و قابل پیش بینی طرح توافقی است که در این مورد، هر یک از اعضای اصلی این جرم ثانویه به اندازه مجرم اصلی مسئولیت کیفری دارند. در این مقاله به بررسی و تحلیل مکتب اقدام مجرمانه از پیدایش این مفهوم تا گسترش آن، طبقه بندی هر یک از مقوله ها در حقوق کیفری بین الملل و عناصر مادی و معنوی می پردازیم و سومی را به صورت ویژه تحلیل می کنیم.

بررسی و تحلیل اقدامات مجرمانه مشترک:

مکتب اقدام مجرمانه مشترک بدیع ترین و در عین حال دشوارترین نظام قضایی حقوق کیفری بین المللی به شمار می رود. این مشکل از آنجا ناشی می شود که اکثر مفسران حوزه حقوق کیفری بین المللی در ارائه خود به نقد این مفهوم پرداخته و همواره آن را نظریه ای دانسته اند که در حقوق و مقررات بین المللی پشتوانه ای ندارد. بخش اعظم این انتقاد از این واقعیت ناشی می شود که مفهوم اقدامات مجرمانه مشترک به عنوان فصلی درباره مسئولیت کیفری به صراحت در هیچ یک از اساسنامه دادگاه موقت یوگسلاوی سابق و رواندا^۳ ذکر نشده است. اگرچه این دیدگاه به طور گسترده در بین حقوقدانان وجود دارد، اما تعریف و دامنه اقدام مجرمانه مشترک برای اولین بار در پرونده تادیچ و در بخش استیناف دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۹ مطرح شد، اما منشاء اصلی این عنوان می تواند مربوط به عملکرد قوه قضائیه پس از جنگ جهانی دوم و پرونده های مرتبط از این دوره باشد. و از آن پس مورد تأیید فقه بین المللی قرار گرفت و در واقع می توان گفت که انواع و ارکان و اجزای این اقدامات به نحوی در پرونده تجدیدنظر تادیچ ظاهر شده است [5]. در این بخش، ظهور و گسترش مسئولیت بر اساس اعمال مجرمانه به چهار دوره اصلی تقسیم می شود: ۱- رویه های پس از جنگ جهانی دوم ۲- دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و پرونده تادیچ ۳- عملکرد دادگاه دو دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی و رواندا ۴- دادگاه کیفری بین المللی و آیین دادرسی کیفری مشترک.

آیین دادرسی و آیین دادرسی کیفری عمومی پس از جنگ جهانی دوم:

طبق آیین نامه دادگاه های نظامی نورنبرگ^۴ و توکیو^۵ که پس از جنگ جهانی دوم به منظور محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی و تحمیل مسئولیت کیفری بر آنها تشکیل شد، و می توان گفت که اساسنامه هیچ یک از این دو دادگاه به صراحت درج نشده است. هر یک از مقررات در ارتباط با مکتب اقدامات مجرمانه مشترک آنها را شامل نمی شود. با این حال، این دو منشور مقررات مربوط به مسئولیت کیفری جنایات علیه صلح را تعیین کردند که به طور کلی بیان می کرد که جرایم علیه صلح عبارتند از: طراحی، تدارک، راه اندازی یا راه اندازی جنگ تجاوزکارانه یا جنگی بر خلاف معاهدات، موافقت نامه ها یا تعهدات و یا شرکت در طرح مشترک و تبانی برای ارتکاب این جنایات... «(ماده 6 از منشور دادگاه نورنبرگ و بند (C) از ماده 5 از منشور دادگاه توکیو). [5]

بر اساس این حکم، هر شخصی که در طرح مشترک یا توطئه ای برای ارتکاب جرم مذکور شرکت کند، مسئول تمام اعمالی است که هر یک در اجرای آن طرح انجام می دهد. اما لازم به ذکر است که در این آیین نامه چنین مسئولیتی فقط در مورد جرایم علیه صلح اعمال می شد و غالباً از آن به عنوان تبانی یاد می شد. با این وجود، می توان نتیجه گرفت که تحمیل مسئولیت بر اساس طرح و هدف کلی که چارچوب اصلی اقدام مجرمانه مشترک را تشکیل می دهد توسط بخش استیناف دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ ایجاد نشده است [6].

مروری بر پرونده تادیچ و ظهور اقدامات مجرمانه مشترک:

³ International Tribunal for Rwanda (ICTR)

⁴ International Military tribunal Nurenberg.

⁵ International Military tribunal Tokyo

مفهوم اقدامات مجرمانه مشترک برای اولین بار به طور رسمی در پرونده تادیچ و در سال ۱۹۹۹ توسط اتاق استیناف دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق مورد استفاده قرار گرفت. این شعبه بر اساس بند ۱ ماده ۷ آیین نامه این دادگاه، تادیچ را به دلیل مشارکت در قتل عمدی ۵ مسلمان بوسنیایی که در روستای جاسکیسی کشته شده بودند، متهم می کند. از آنجایی که حقایق مربوط به این پرونده مربوط به طبقه سوم این اقدام است، در بخش مربوطه مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. شعبه استیناف در این پرونده گفته است که اکثر جنایات بین المللی مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل کشی ویژگی مشترکی دارند و اینکه این جنایات به صورت دسته جمعی انجام می شود، این گروه ها ممکن است در قالب واحدهای نظامی باشند.، سیاسی یا گروهی از مقامات و مقامات دولتی و غیره که بر اساس خط مشی خاصی عمل می کنند تشکیل می شود. از آنجایی که عنوان دعوای مشترک جزایی در اساسنامه این دیوان به صراحت ذکر نشده است، این شعبه متذکر شد که برای متهم کردن شخص تحت مفهوم دعوای مجرمانه مشترک، باید به صراحت مشخص شود که مسئولیت کیفری مشترک در نظر گرفته شده است یا نه؟ و در نهایت مقرر شد اگرچه این حکم اساساً مربوط به مجرمانی است که مرتکب جرم فیزیکی و با حضور در صحنه جرم شده اند، اما با شرکت کردن در یکی از جرایم طبق بند ۲ تا ۵ این قانون اساسنامه یک هدف، برنامه و برنامه مشترک نیز می تواند محقق شود [7]. ضمناً شعبه تجدیدنظر این دادگاه این اقدامات را طبقه بندی و عناصر مادی و معنوی هر یک از این طبقات را تدوین کرده است که در بخش های بعدی این مقاله مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

بررسی عملکرد دادگاه های یوگسلاوی و رواندا بعد از پرونده تادیچ:

اساسنامه این دو دادگاه به ترتیب در سال های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید تا به جرایم ارتكابی در یوگسلاوی سابق و رواندا در این دادگاه ها رسیدگی شود. در این اساسنامه مفهوم اقدام مجرمانه مشترک به صراحت ذکر نشده است، اما پس از پرونده تادیچ، شعبه رسیدگی کننده به پرونده در شعبه استیناف دادگاه یوگسلاوی به صراحت اعلام کرده است که کلمه «ارتكاب» در بند ۱ ماده ۷ آمده است. ماده ۷ اساسنامه این دیوان که به طور ضمنی شامل مشارکت در یک عمل مجرمانه مشترک می شود، هرچند در هیچ کجای اساسنامه این دیوان به صراحت به این موضوع اشاره نشده است .

[5]

متعاقباً مکتب اقدامات مجرمانه مشترک توسط این مرجع و سایر دادگاه ها به عنوان مفهومی برگرفته از حقوق بین الملل عرفی، دادگاه کیفری بین المللی رواندا و بند ۶ ماده ۱ اساسنامه دیوان رواندا مورد استفاده و توسعه قرار گرفت، که همان معنای بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی است، زیرا مبنای حقوقی این مفهوم در این مرجع ارائه شد [8]. با توجه به ماهیت جرایم بین المللی که معمولاً در سطح وسیع و با سازماندهی منظم و هدفمند رخ می دهد و از این رو افراد درگیر در این جرایم اغلب برای رسیدن به هدفی مشترک با اعضای گروه خود همکاری می کنند، بنابراین مسئولیتی را بر خود تحمیل می کنند. جرم انگاری عاملان این پرونده بر اساس این مکتب، پس از پرونده تجدیدنظر تادیچ، در این دادگاه به طور گسترده مورد بحث قرار گرفت. برخی از مهمترین پرونده هایی که این دادگاه اقدامات مجرمانه مشترک را به عنوان دلیلی برای تحمیل مسئولیت کیفری در نظر گرفته است شامل پرونده کرسٹیچ^۷ در سال ۲۰۰۱ و پرونده میلو سویچ^۸ در سال ۲۰۰۲ و همچنین پرونده سیمیک و موارد دیگر در سال ۲۰۰۳ است که در این موارد دادگاه اقدامات مجرمانه مشترک را برای تحمیل مسئولیت کیفری برای مرتکبین مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال، در مورد کریستیچ، عنوان شد که متهم در یک عمل مجرمانه

⁶ jaskici

⁷ Krstic

⁸ Milosevic

⁹ Simic and Other

مشترک برای ارتکاب نسل کشی دست داشته است. همچنین گفته می شود که او در ابتدا در طرحی مشترک برای اخراج مسلمانان از منطقه سربرینیکا^۱ مشارکت داشت [6].

در دادگاه های رواندا، کاربرد دعوی مجرمانه مشترک به وسعت کاربرد این مفهوم در دادگاه های یوگسلاوی نبود، اما در این دادگاه می توان به چندین نظر قضایی مرتبط با این مفهوم دست یافت. از جمله این آرا مربوط به پرونده روآماکوبا^۱ در سال ۲۰۰۴ است، و این که شعبه استیناف این دادگاه حکم داده است که این مراجع صلاحیت رسیدگی به نسل کشی را با شرکت در یک اقدام جنایی مشترک دارند [9].

دیوان کیفری بین المللی و اقدامات مجرمانه مشترک

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اولین سند بین المللی در زمینه حقوق کیفری بین المللی است که مسئولیت را بر اساس اعمال مجرمانه جمعی پیش بینی کرده است. قواعد این دادگاه بر خلاف قوانین دو دادگاه موقت قبلی (یوگسلاوی سابق و رواندا) که در آیین نامه خود به این عنوان اشاره نکرده اند، تنها به رویه قضایی بین المللی اشاره کرده و به کاربرد این مفهوم در قضاوت های خود می پردازد، با این حال، در بند (د) (۳) از بخش ۱۲۵ اساسنامه این دادگاه به وظایف ناشی از یک گروه با هدف مشترک اشاره می کند. اگرچه این ماده به طور مستقیم به «فعالیت مجرمانه مشترک» اشاره نمی کند، اما با توصیف فعالیت مجرمانه گروهی از افراد که در جهت یک هدف مشترک تلاش می کنند، کاملاً با مفهوم فعالیت مجرمانه مشترک همپوشانی دارد. اگرچه این حکم مورد انتقاد مفسران قرار گرفته است، از جمله اینکه موضوع این ماده شامل دسته سوم اعمال مجرمانه دسته جمعی نمی شود [6]. این دسته، مسئولیت برخی از اعضای گروه را در قبال اعمالی که خارج از طرح مشترک انجام می دهند و برای سایر اعضای گروه قابل پیش بینی است، تحمیل می کند. در قسمت آخر این مقاله به تفصیل این انتقادات مورد تحلیل قرار گرفته است.

بررسی اقدامات مجرمانه مشترک اساسی، اقدامات مجرمانه مشترک منظم و اقدامات مجرمانه مشترک موسع:

این دسته از اقدامات مجرمانه مشترک شامل حالتی است که همه اعضای یک گروه هدف مشترکی برای پیشبرد و تعقیب برنامه و هدف مورد نظر دارند و در این زمینه با یکدیگر توافقات لازم را انجام می دهند، هرچند امکان ارتکاب فیزیکی نیز وجود دارد. جرم فقط توسط یک یا چند نفر از اعضای گروه انجام می شود. در واقع آنچه از حقایق ذکر شده در پرونده تادیچ در این زمینه برمی آید، ضرورت چنین اقدام مجرمانه مشترک است که مبنای این اقدام نیز محسوب می شود. در این گونه موارد، دادستان باید وجود طرح، نقشه یا هدف مشترک بین اعضای گروه مذکور، مشارکت داوطلبانه در طرح مذکور و قصد شرکت و همکاری در جرم یا جرایم طرح جنایی مذکور را ثابت کند. به عنوان مثال، اگر نسل کشی در یک طرح کلی برای یک گروه خاص جرم تلقی شود، در این صورت دادستان باید بین اعضای گروه برای کشتن قربانی خاص حداقل با مشارکت داوطلبانه و کاملاً داوطلبانه متهم موافقت کند، و این یکی از جنبه های طرح کلی است [9].

اصولاً اعمال مجرمانه مشترک منظم مربوط به جنایاتی است که در اردوگاه، زندان یا بازداشتگاه برای اسیران یا اسیران جنگی رخ می دهد. نظر استیناف تادیچ عنوان را از دادگاه های نظامی اقتباس کرده است که به جنایات جمعی ارتکاب یافته در اردوگاه های کار اجباری داخائو^۲ و برگن بلسن^۳ در طول جنگ جهانی دوم رسیدگی می کنند. اردوگاه های کار اجباری فوق

¹ Srebrenica 0

¹ Rwamakuba 1

¹ International Criminal Court (ICC).

¹ Dachau 3

¹ Bergen Belsen 4

دارای سیستم سازمان یافته بد رفتاری با زندانیان بود و از این رو قضات دادگاه های فوق، اعضای نظامی و اداری اردوگاه ها را به رفتاری مطابق با طرح کلی برای نقض قوانین و آداب و رسوم محکوم کردند. این گونه اعمال مجرمانه غالباً در جهت پیشبرد اهداف و وظایف سازمان های فوق الذکر (زندانها، اردوگاهها و اماکن مشابه) انجام می شود که اعضای آنها در راستای اجرای طرح جنایت جمعی مشترک عمل می کنند. در واقع، بر اساس این مفهوم از اقدام مجرمانه مشترک، مسئولیت اعمال افراد مرتبط با مشارکت آنها در یک طرح جنایی منظم و سازمان یافته که در یک چارچوب نهادی رخ می دهد، تحمیل می شود [10].

این دسته از اقدامات مجرمانه مشترک که مسئولیت کیفری احتمالی مبتنی بر قابل پیش بینی بودن و پذیرش اختیاری خطر نیز نامیده می شود، مسئولیت شرکت کننده در عمل مربوطه را گسترش داده و او را مسئول کلیه جرایمی می کند که با قصد مشترک اعضا، اتفاق نیفتاده است. اما از آن نتیجه طبیعی و قابل پیش بینی یک عمل مجرمانه مشترک تلقی و مسئول شناخته شد. به عبارت دیگر، فعالیت های مجرمانه مشترک یکی از این نوع مواردی را شامل می شود که اولاً همه اعضای گروه هدف برنامه مشترکی برای ارتکاب جرم یا جنایت داشتند و در این مورد توافق داشتند. اما با وجود این مسئله یکی از اعضای گروه از این طرح توافقی فراتر رفته و اقدام مجرمانه ای خارج از طرح کلی گروه انجام می دهد که نتیجه طبیعی و قابل پیش بینی برنامه ریزی شده بود. به عنوان مثال، اعضای گروهی که با اخراج غیرنظامیان از یک منطقه اشغالی موافقت کردند، در این نیت مشترک نبودند که یک یا چند نفر از اعضای گروه در عملیات مرتکب اعمال غیرانسانی شوند. با وجود این مسئله، با توجه به ماهیت جرم مورد نظر (اخراج اجباری) که ممکن است چنین اعمالی به دنبال داشته باشد، امکان پیش بینی ارتکاب چنین اعمالی توسط برخی از اعضای گروه برای سایر اعضای گروه وجود دارد. در این دسته از پرونده های اقدام مشترک، دادستان باید ثابت کند: متهم در موقعیتی قرار گرفته است که امکان و قابل پیش بینی ارتکاب چنین جرمی را می دهد، چنین خطری داوطلبانه انجام می شود یا متهم با وجود چنین قابل پیش بینی خطری دارد [6].

عناصر اقدامات مجرمانه مشترک چیست؟

بخش استیناف که به پرونده تادیب رسیدگی می کند، علاوه بر طبقه بندی اعمال مجرمانه مشترک به سه نوع مجزا و متمایز، عناصر مادی و معنوی هر یک از این دسته ها را نیز تشریح کرد. علاوه بر این، پس از پرونده تادیب، تمامی این عناصر و الزامات مادی توسط این دادگاه (یوگسلاوی سابق) و همچنین توسط دادگاه کیفری بین المللی رواندا و سایر مراجع قضایی در یک دعوی عمومی کیفری مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است [10].

عنصر مادی: عناصر مادی سه گانه اعمال مجرمانه مشترک با یکدیگر متفاوت و یکسان نیستند که عبارتند از: گروهی مرکب از افراد مختلف؛ وجود طرح، نقشه یا قصد مشترک برای ارتکاب جرمی که در صلاحیت دادگاه است. مشارکت متهم در طرح مشترکی که برای ارتکاب جرم مقرر طراحی شده است [11].

با توجه به حقایق پرونده تادیب در سطح استیناف، اولین عنصر از سه دسته مورد نیاز، فعالیت مجرمانه جمعی گروهی متشکل از چند نفر است. در رابطه با این قسمت از عنصر مادی، همانطور که شعبه تجدیدنظر دادگاه در پرونده مذکور تشخیص داده است، نیازی به سازماندهی طرف مورد نظر در قالب یک واحد نظامی، سیاسی یا اداری و اجرایی نیست و حتی چنین افرادی معمولاً می توانند نقش آفرینی کنند. موضوع دیگر مربوط به این قسمت از عنصر مادی که لازم به ذکر است این است که این گروه حداقل باید از چند نفر تشکیل شود تا به عنوان یک گروه شناخته شوند تا بتوانند این فعالیت ها را انجام دهند. از آنجایی که نظر شعبه استیناف در این مورد مشخص نبود، به اظهارات گروهی از افراد محدود شد. اما با وجود این موضوع، پس از این دادگاه، در سایر موارد مربوط به این نوع جرایم، تلویحاً اعلام شد که حداقل دو نفر یک گروه مجرمانه را تشکیل می دهند که اعمال و ارتکاب آنها در مفهوم جرم مشترک قرار می گیرد. برای اقدام مجرمانه کافی است. بخش استیناف پرونده تادیب، در رابطه با این بخش از عناصر مادی، همچنین مطرح کرد که دادستان مربوط باید وجود طرح، نقشه یا هدف مشترک بین اعضای گروه برای ارتکاب جرم یا جنایات را طبق قانون این دادگاه اثبات کند. علاوه بر این، مشخص شد که چنین طرح مشترکی از مدت ها قبل نیازی به تدوین اعضای گروه نداشته است، اما ممکن است که به صورت خودجوش و کاملاً بدون هیچ نقشی و تنها از این جهت که افراد به هر یک از آنها وابسته هستند، تدوین شده باشد. عنصر سوم جنایت مشترک که در پرونده تادیب

مطرح شد و در بسیاری از پرونده ها توسط دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه های دیگر مورد استفاده قرار گرفت، مشارکت داوطلبانه متهم است که برنامه ریزی مشترک اعضای گروه با ارتکاب جرم مندرج در قانون مرجع مذکور موافقت می کنند [12].

عنصر معنوی: در حالی که عنصر مادی لازم برای اعمال مجرمانه رایج در هر سه دسته این عنوان مشترک است، عنصر معنوی مورد نیاز برای هر دسته با دسته دیگر متفاوت است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد [9].

در عرصه بین المللی و همچنین در عرصه داخلی، ارتکاب جرایم بین المللی در صورت وجود عنصر معنوی با توجه به عنصر مادی جرم، مسئولیت کیفری برای فرد به همراه خواهد داشت، زیرا مرتکب جرمی فاقد عنصر معنوی را نمی توان مجازات کرد. قصد، علم و در برخی موارد بی احتیاطی عنصر معنوی جنایات در عرصه بین المللی را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، اگر شخصی عمداً مرتکب عملی شود، چنین شخصی دارای قصد مجرمانه فرض می شود. علم همچنین شامل این است که شخص با آگاهی از شرایط موجود یا تحقق نتیجه مطلوب مرتکب عمل مجرمانه ای شود که او را مسئول اعمال خود می کند. بی احتیاطی به عنوان یکی دیگر از عناصر معنوی جرم به این معناست که فرد هنگام وقوع جرم از خطر احتمالی آگاه بوده ولی با وجود این نسبت به آن بی تفاوت یا سهل انگاری کرده است.

برای اثبات عنصر معنوی لازم برای تحقق فعل مجرمانه مشترک، آنچه از موارد همکاری لازم است، قصد ارتکاب جرم معین است، به عبارت دیگر علی‌رغم اینکه هر یک از شرکت کنندگان در این نوع عمل ممکن است نقش متفاوتی داشته باشد. از طرف دیگری برای تحقق یک نقشه مشترک و فقط یک یا چند نفر از آنها عملاً مرتکب عمد جرم شده اند، اما همه آنها یک قصد مجرمانه برای ارتکاب جرم دارند. از توضیحات بخش استیناف دادگاه یوگسلاوی در پرونده تادیچ در مورد عنصر معنوی اقدامات مجرمانه مشترک می توان نتیجه گرفت که عنصر معنوی این دسته از اقدامات شامل دو مورد مهم است: اول مشارکت داوطلبانه متهم در این اعمال، دوم مشارکت متهم در نیت مشترک گروه. با توجه به مورد اول، متهم باید به صورت کاملاً داوطلبانه در جنبه ای از طرح مشترک گروه مورد نظر خود شرکت کند و طبق مورد دوم باید در نیت مشترک گروه خود برای رسیدن به مطلوب شرکت کند. عنصر معنوی لازم برای این دسته از اقدامات مجرمانه مشترک همانطور که قبلاً ذکر شد بیشتر مربوط به یک سری اعمال غیرانسانی و آزار و اذیت و شکنجه در اردوگاه های اسرا است که شامل آگاهی فرد از وجود چنین سیستم و سریالی می شود [10]. این یکی از رفتارهای ناپسند او و همچنین قصد او برای ادامه چنین اعمال شنیع است. وجه تمایز عنصر معنوی این نوع اعمال از سایر انواع آن این است که در دو نوع دیگر، این اعمال برای اثبات عنصر معنوی لازم نیاز به بررسی خاص و موردی دارند، در حالی که در این نوع عمل، به خودی خود قابل استنباط است. عنصر معنوی این نوع اقدامات مجرمانه مشترک که شامل ارتکاب جرایمی است که خارج از محدوده توافق شده طرح جنایی اولیه رخ داده است، شامل دو مرحله است. در مرحله اول مانند یک عمل مجرمانه مشترک اساسی است که شامل قصد مشترک متهم با سایر شرکا در پیشبرد اهداف مجرمانه گروه مذکور و همکاری لازم در این راستا می باشد. در مرحله بعد با توجه به شرایط حاکم بر هر مورد، اثبات دو مرحله ضروری است. در مرحله اول قابل پیش بینی است که چنین جنایتی توسط یک یا چند نفر از اعضای گروه مذکور و در راستای اهداف مشترک آن صورت گیرد [6].

همانطور که قبلاً ذکر شد، این نوع اقدامات مجرمانه مشترک مربوط به اعضای یک گروه مجرمانه است که با اعضای گروه خود توافقات لازم و کافی را در مورد هدف اصلی طرح مجرمانه مشترک خود دارند، اما به این منظور که یک یا یک تعداد اعضای گروه در ارتکاب جرایم احتمالی بر اساس جرم اصلی شرکت نمی کنند. در واقع افرادی که بر اساس این نوع اقدامات مشترک مسئولیت کیفری را بر عهده دارند، نه تنها مستقیماً در عمل مجرمانه مجرم اصلی دخالت نکرده اند، بلکه حتی قصد به فعلیت رساندن جرم مربوطه را نیز در ذهن خود نداشته اند، بلکه آنها صرفاً در موقعیتی بودند که می توانستند پیش بینی کنند، جرم مورد بحث را نتیجه طبیعی و احتمالی توافق اولیه داشتند و با وجود این پیش بینی و احتمال، نسبت به آن خطر بی تفاوتی یا سهل انگاری کردند. همین موضوع مسئولیت کیفری را برای این قبیل افراد به عنوان مجرم اصلی تحمیل می کند و مجازاتی مشابه این افراد دارد که انتقادات زیادی را از سوی مفسران این موضوع در پی داشته است، زیرا این گونه افراد بر اساس فرض

وقوع جرم احتمالی مسئولیت کیفری دارند و مقصر اصلی شناخته می شوند. پس این افراد با سهل انگاری یا بی احتیاطی، اقدامات مناسبی برای اطمینان از وجود چنین احتمالی در بین اعضای گروه خود انجام نداده و این امر نباید برای ایشان خارج از سایر اعضای گروه و به عنوان مقصر اصلی باشد [6].

طبقه بندی سه گانه اقدامات مجرمانه مشترک:

در پرونده تادیچ، شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق با تمسک به رویه قضایی بعد از جنگ جهانی دوم و عرف حاکم، این فعالیت مجرمانه گروهی را به سه طبقه متمایز از هم تحت عناوین 1 - اقدامات مجرمانه مشترک اساسی (مبنایی) 2 - اقدامات مجرمانه مشترک منظم (نظاممند) 3 - اقدامات مجرمانه مشترک موسع تفکیک نمود [12]. در مورد تادیچ، بخش استیناف دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق، بر اساس رویه قضایی و رویه رایج پس از جنگ جهانی دوم، فعالیت مجرمانه این گروه را به سه دسته مجزا تحت عناوین 1- اعمال مجرمانه مشترک اساسی 2- فعالیت مجرمانه مشترک سازمان یافته 3- اعمال مجرمانه مشترک موسع تفکیک شده. این شعبه اظهار داشت که اعمالی که توسط گروهی با هدف یا نقشه مجرمانه مشترک انجام می شود، می تواند در یکی از سه مورد فوق ظاهر شود [11].

این اقدام یا به صورت مشترک یا توسط تعدادی از اعضای آن گروه انجام می شود، اما با اهداف گروه مورد نظر مطابقت دارد. در این مورد نیز همین شعبه اظهار داشت: تادیچ عضو یک گروه مسلح بود که در حملات و جنایات مختلف علیه بشریت دست داشت. او به عنوان یکی از اعضای رسمی آن گروه باید می دانست که اقدامات گروه احتمالاً منجر به کشتار مردم می شود، اما با این وجود ناخواسته چنین ریسکی را پذیرفت. یکی دیگر از موضوعات مرتبط با جرم مشترک موسع که باید مورد تحلیل قرار گیرد، مربوط به میزان پیش بینی پذیری و فرصت و چگونگی اثبات آن است. البته تشخیص اینکه آیا عمل مجرمانه ای که توسط یکی از اعضای گروه مرتکب شده بود برای یکی دیگر از اعضای همان گروه قابل پیش بینی بوده یا خیر برای دادگاه آسان نیست. و دیگری این که آیا او با میل خود چنین ریسکی کرده است یا نه. در هر صورت، وظیفه دادستان مربوطه است که این موضوع را با توجه به شرایط و شرایط خاص هر پرونده مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد که آیا شرایط و احوال جرم مورد توافق این امکان را برای فرد ایجاد می کند تا بتواند جرمی را که بالقوه توسط شریک خود مرتکب شده است یا نه؟ [10]. زیرا در اکثر موارد می توان بین جنایت اولیه و جنایت ثانویه رابطه پیدا کرد و در واقع جرم ثانویه ناشی از جرم اولیه است. موضوع دیگر مربوط به این معیار بررسی این است که آیا عنصر معنوی لازم برای پیش بینی ارتکاب این جنایت احتمالی برای عضو باید بر اساس معیار شخصی (یعنی واقعاً چنین امکانی را پیش بینی کرده باشد) یا بر مبنای عینی باشد. می توان گفت که معیار عینی مناسبتر است و در این صورت یک فرد عادی با احتیاط معقول در جایگاه مجرم در نظر گرفته شده و واکنش وی در هر مورد مبنای تصمیم گیری در این مورد قرار می گیرد. همین معیارها برای موارد مربوط به این دسته از اقدامات جمعی از جمله تادیچ، کرسٹیچ و استاکیچ^۱ لار نظر گرفته شد [12].

تنها محدودیتی که می توان برای این گونه اقدامات مشترک اعمال کرد، عدم اعمال این مفهوم در رابطه با جرایمی است که عنصر معنوی آنها مستلزم اثبات قصد خاصی است. به عنوان مثال جنایاتی مانند نسل کشی، آزار و اذیت از جمله این جرایم است. طبق ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، قصد خاص در مورد نسل کشی، قصد مرتکب برای نابودی تمام یا بخشی از یک گروه نژادی، ملی، قومی یا مذهبی مطابق این ماده است. از ماده ۷ اساسنامه این دیوان، این نیت خاص به دلیل هویت گروهی آنها عمدی بوده و شامل سلب حقوق اساسی مردم می شود. لازم به ذکر است که در رابطه با جرم شکنجه و آزار

¹ tadic 5

¹ krstic 6

¹ stakic 7

و اذیت، الزامی برای جرم بودن آن در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی وجود ندارد، اما تحت عنوان جنایت بین المللی مستقل قابل تعقیب است [11].

این دسته از جرم مستلزم محکومیت متهم بدون نیاز به قصد خاصی برای اعمال اقدامات مجرمانه موسع است. می توان این جنایات را مربوط به اعمال دسته اول و دوم تصور کرد، اما با این دسته از اعمال نمی توان تصور کرد که عنصر معنوی لازم برای تحقق آن، فقط آستانه پایینی از عنصر معنوی (غفلت) باشد. اشخاصی که در این دسته از اعمال کلی منطبق با جرم با قصد خاص دخیل هستند، فقط به عنوان معاونت در این جرم قابل مجازات هستند، در صورتی که کافی است همکاری اساسی شخص مرتبط با این جرم عمداً انجام شود. همانطور که قبلاً ذکر شد، به طور کلی، به دلیل عدم شفافیت در دو دادگاه موقت یوگسلاوی سابق و رواندا در مورد این موضوع، رسیدگی های کیفری مشترک به شدت مورد انتقاد مفسران قرار گرفته است. به ویژه، این دسته سوم از فعالیت ها که مسئولیت هایی را فراتر از آنچه مورد توافق مجرمان قرار گرفته است برمی دارد و به فعالیت های قابل پیش بینی فراتر از آن طرح کلی گسترش می یابد، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. اکثر این انتقادات بی اساس و فاقد پشتوانه علمی لازم است. در اینجا تنها سه نمونه از این انتقادات ارائه می شود که به نظر می رسد نقدهای معتبری هستند و نیازمند اصلاح اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به عنوان تأمین کننده آینده عدالت کیفری بین المللی هستند [11].

انتقاد از نقض اصل قانونی بودن جرم، تبیین این واقعیت به دلیل عدم شفافیت در قوانین و رویه های این مکتب و شهادت دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق است. چنین مفهومی از سوی این مرجع نوعی نوآوری و خلاقیت قضایی است که به نوعی نقض این اصل مهم است. این اصل در کلیه مقررات اعم از حقوق داخلی و بین المللی مکرراً تصویب شده و به عنوان یک اصل روشن در کلیه تصمیمات و آراء قضایی اعمال شده است. اقدامات مجرمانه مشترک موسع علاوه بر اینکه در هیچ یک از اساسنامه دو دادگاه موقت ذکر نشده است، در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز ذکر نشده است. طبق قسمت اول بند (۳) ماده ۲۵، لازمه همکاری در ارتکاب جرم این است که عمل باید عمدی باشد، طبق این عبارت، عمل متهم باید عمداً انجام شود و نه سهل انگاری ضمناً طبق بند دوم این آیین نامه، این همکاری و مشارکت در جرم باید به قصد پیشبرد فعالیت مجرمانه یا هدف مجرمانه گروه یا با آگاهی از قصد گروه برای ارتکاب آن صورت گیرد. بر اساس این ماده، اقدامات مجرمانه مشترک موسع که از طریق قابل پیش بینی بودن و احتمال تقصیر، مسئولیتی را بر عضو احتمالی تحمیل می کند، با هیچ یک از این موارد سازگار نیست و با اصل قانونی بودن جرم مغایر است [12].

همانطور که قبلاً در این مقاله ذکر شد، اثبات اینکه شخصی جرم را خارج از برنامه توافق شده پیش بینی کرده و با کمال میل چنین خطری را پذیرفته است کار آسانی نیست. و در هر حال بر عهده دادستان ذیربط است که از طریق تحلیل و بررسی دقیق اوضاع و احوال خاص هر پرونده به این موضوع پی ببرد و در صورت کوتاهی در کلیه موارد اثبات (قابلیت پیش بینی و جنایت و ریسک داوطلبانه است)، او باید اتهامات را رد کرد. مهم ترین عامل مرتبط با این بند به این موضوع مربوط می شود که توانایی پیش بینی احتمال وقوع جرم نباید موجب مسئولیت اضافی برای فرد در برابر با سایر اعضای گروه و مجرم اصلی شود. علاوه بر این مشکل، جنایاتی که در صحنه بین المللی صورت می گیرد اغلب جرایم مشترک هستند که برای بسیاری از افراد فراتر از این گروه عمومی قابل پیش بینی است [6].

نتیجه گیری:

جنایات فجیع و اعمال شنیع و حیوانات گونه گسترده علیه افرادی که به دلیل تعلق به نژاد یا گروه خاصی قربانی این جنایات می شوند، از دیرباز در صحنه بین المللی مشاهده شده است. بیشتر این جنایات در سطح وسیع و با کمک افراد مختلف صورت می گیرد و رعب و وحشت زیادی را در دل قربانیان این جنایات ایجاد می کند. اکثر مجرمان این گروه در صحنه جنایت حضور نداشتند، اما حمایت گسترده ای از عاملان فیزیکی جنایت دارند. همانطور که اشاره شد، مقامات جنایی در عرصه بین المللی، نهادی به نام «اقدام مجرمانه مشترک» ایجاد کرده اند تا از مجازات نشدن مجرمان بین المللی جلوگیری کرده و با اثبات مسئولیت کیفری همه افراد درگیر در کمیسیون، حوزه های هر چه بیشتر را از یک جنایت ایجاد کنند [6]. مکتب اقدامات

مجرمانه مشترک به عنوان یک قسم از مسئولیت کیفری در وضعیت هایی که ادله مستقیمی در رابطه با ارتکاب جرایم مورد نظر توسط اعضای این گروه ها، به سبب عدم حضور آنها در صحنه جرم وجود ندارد، قادر است به تحمیل مسئولیت کیفری در ارتباط با این افراد اقدام کرده و از فرار آن ها از چنگ عدالت ممانعت نماید. البته این نظریه نیز مانند سایر نظریه های حقوقی خالی از اشکال نبوده و نیازمند اصلاحات اساسی در رابطه با تعریف و دامنه این اقدامات به ویژه در رابطه با اقدامات مجرمانه مشترک است. همانطور که در این مقاله اشاره شد، با وجود جدید بودن این مکتب در حقوق کیفری بین الملل و لزوم تکمیل و پیشرفت در این زمینه، بسیاری از انتقادات وارده به این مفهوم بی اساس است و به راحتی می توان پاسخی برای این انتقادات مطرح نمود. به عنوان مثال در پاسخ به این انتقاد که اعمال مجازات یکسان برای مرتکب اصلی جرم و مرتکب جرم بر اساس فعل مجرمانه مشترک، ناعادلانه است، باید اظهار داشت که علیرغم ناعادلانه بودن با چنین حکمی باید گفت که در حقوق بین الملل اعم از معاهدات و رویه قضایی تفاوت معناداری در موضوع مجازات بین مرتکبین مختلف جرم (مباشر، شریک و معاون) وجود ندارد. این امر می تواند ناشی از عواملی مانند عمومیت این رشته حقوق و یا نبود جدول مجازات در این زمینه مورد قبول همگان باشد. بنابراین تعیین میزان مجازات مجرمان در این زمینه صرف نظر از میزان و نوع مشارکت آنها در جرم مورد نظر بر عهده قضا است. در رابطه با انتقاداتی که به ملاک پیش بینی پذیری وارد شده است، باید گفت که همانطور که در این مقاله در بحث این الزام مطرح شد، دادستان مربوطه باید در هر مورد قابل پیش بینی بودن جرایم خارج از طرح مشترک را به دقت اثبات کند. و در غیر این صورت، باید گزینه عدم گناه را به طور مستدل انتخاب کند [11]. در رابطه با انتقاداتی که در خصوص عدم انطباق این مفهوم و خصوصاً دسته سوم این اقدامات با اصل قانونی بودن جرایم وارد شده است، باید گفت که علیرغم عدم ذکر این مفهوم در اساسنامه دادگاه های موقت یوگسلاوی سابق و رواندا، این مفهوم و به ویژه دسته سوم این اقدامات را مکرراً رویه حقوقی بین المللی و حقوق عرفی به عنوان منبع حقوق بین الملل تأیید کرده اند و از این نظر مخالفتی با اصول کلی حقوق کیفری ندارد. با این حال، با وجود این موضوع، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به عنوان تأمین کننده آینده عدالت کیفری، مقرراتی را در خصوص اقدامات جنایی مشترک موسع در نظر نگرفته است. [12]

در نهایت، نگارنده معتقد است آزادی عملی که این مفهوم و به ویژه دسته سوم این اقدامات برای قضا به ارمغان می آورد، باید آنها را به پیشرفت مشتاقانه با حداکثر احتیاط در هنگام ارزیابی شواهد و شناسایی وجود عناصر مادی و معنوی تشویق کند. در صورت تردید، آن ها باید به نحوی مستدل، گزینه عدم مجرمیت را برگزینند.

منابع:

- قسمتی تبریزی، علی، و محرابی سی سخت، محمدصادق. (۱۳۹۹). دعوای بدون منازع. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۲(۲۲)، ۳۱۳-۳۴۴.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۶). حقوق جزاییین الملل "مجموعه مقالات". چاپ دوم، تهران: میزان
- Akrami, ruhollah. (2021). Doubt of the islamic legal maxim of dar' (hudud avoidance in the case of doubt) in the law of iran. Criminal law doctrines, 18(20), 3-28.
- Boas ,Gideon (2010), The Difficulty With Individual Criminal Responsibility In International Criminal Law ,In Stahn, Carsten and VandenHerik, Laissa(eds),Future . Perspectives On International Criminal Justice (T.M.C Asser Press , The Hague, The Netherlands.)pp: 501-519.
- Cassese, Antonio (2007) The Proper Limits of Individual Responsibility Under The Doctrine of Joint Criminal Enterprise, Journal of International Criminal Justice ,pp : 109-133.
- Dethan , Claire and Shorts,Edwin (2003),International Criminal law and Human Rights,Sweet Maxwell,London.
- Jayangakula,Kitti(2010),Is the Doctrine of Joint Criminal Enterprise a Legitimate Mode of Individual Criminal Liability ? – A study of The Khmer Rouge Trial`s , Eastern Asia University,pp: 1-69.
- JayaSinghe , Chaminda (2013),The Concept of Joint Criminal Enterprise In International Criminal Law ,pp:1-7.
- Marsh ,Luke and ramsden, Michael(2011).joint Criminal Enterprise : combodia`s Reply to Tadic , International Criminal Law Review.PP:137-154.
- Mirmohamdsadeghi, Hossin, & Ezdyar, Ali. (2020). A Comparison between the Two Notions of “ Joint Criminal Enterprise” and “ Leadership of Criminal Group”. REVUE DE RECHERCHE JURIDIQUE, 23(89), 59-83.
- Mirkamali, alireza, pourmazar, mohammad, & narimani zaman abadi, mohammad reza. (2018). The doctrine of joint criminal enterprise in light of decisions of the international criminal tribunal for the former yugoslavia; nature, foundation and categorization. Revue de recherche juridique, 21(82), 253-282.
- Rashnoudi, aref, & Ardebili, Muhammad Ali. (2019). Responsibility Based on Joint Criminal Enterprise in International Criminal Law. CRIMINAL LAW DOCTRINES, -(16), 3-38.